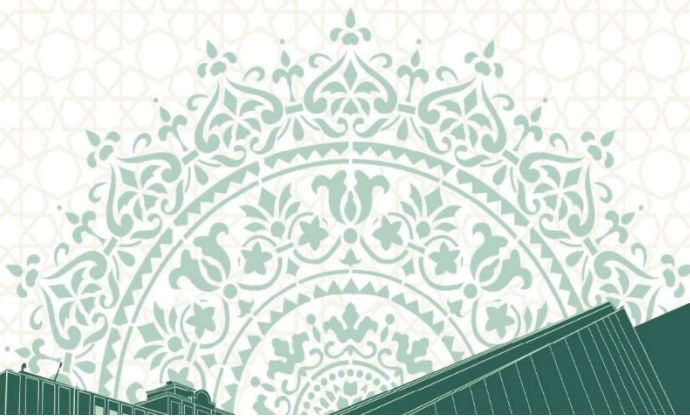


مبانی فقهی اعمال مدیریت جمهوری اسلامی ایران
بر تنگه هرمز



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه / شورای عالی فقهی مرکز

مدیر پروژه و ارزیاب علمی:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نهبانندی

اظهار نظر کنندگان:

آیت الله جعفر بستان

آیت الله سعید واعظی

آیت الله احمد احمدی تبار

استاد محمدهادی فاضل بابلی

حجت الاسلام دکتر سید عبدالمطلب احمدزاده

حجت الاسلام دکتر محمدجواد ارسطا

ارزیاب علمی:

حجت الاسلام دکتر محمدجواد ارسطا

کارشناس موضوعی:

دکتر محمد صالح تسخیری

نویسنده و کارشناس مرکز:

سید محمدمهدی موسوی

عنوان:

مبانی فقهی اعمال مدیریت
جمهوری اسلامی ایران
بر تنگه هرمز

شماره ثبت لایحه/طرح:

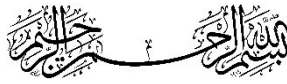
-

شماره ثبت در مرکز:

۰۵/۱۲-۷۶۲

تاریخ انتشار:

بهار ۱۴۰۵



مبانی فقهی اعمال مدیریت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه / شورای عالی فقهی مرکز
بهار ۱۴۰۵

فهرست

۷.....	خلاصه مدیریتی
۹.....	دیدگاه اساتید محترم شورای عالی فقهی در باب شرعیت مدیریت ایران بر تنگه هرمز
۱۴.....	نتیجه گیری
۱۴.....	توصیه تقنینی
۱۵.....	پیوست
۱۸.....	منابع

خلاصه مدیریتی

الف. بیان مسئله اصلی

پژوهش حاضر به بررسی ابعاد فقهی اعمال ولایت و نظارت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز می‌پردازد. سؤال اصلی آن است که آیا از منظر فقهی، امکان پذیرفتن حق مدیریت، کنترل عبور و مرور، اخذ عوارض این آبراه راهبردی برای حکومت اسلامی وجود دارد یا چنین اقدامی با موازین شرعی ناسازگار است؟ همچنین شش پرسش شرعی شامل: حق تصرف در آب‌های سرزمینی و تراحمات ناشی از آن، مجوز عبور کالاهای و خدمات نامشروع، جواز مالکیت موقت و فروش مجدد کالاهای ترانزیتی، امکان‌سنجی مصادره اموال معاندین و اتباع دولت‌های متجاوز، امکان‌سنجی مالکیت بر آب دریاها، و مصادره اموال دشمن بر اساس قاعده مقابله‌به‌مثل برای جبران خسارت‌های جنگی، مورد کاوش قرار گرفته است.

ب. اهمیت و ضرورت برای حوزه تقنین و سیاستگذاری

با توجه به پیشینه دشمنی‌های نظام‌های سلطه‌گر، تحریم‌های طولانی، و دو جنگ تحمیلی اخیر، مبحث مدیریت تنگه هرمز به‌عنوان یک اقدام راهبردی در دستور کار قرار گرفته است. شورای عالی فقهی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در بجهت جنگ تحمیلی رمضان تصمیم به برگزاری جلساتی برای بررسی این موضوع گرفت؛ از آنجا که هرگونه تصمیم‌گیری در این حوزه مستلزم پشتوانه شرعی و قانونی است.

شفاف‌سازی حدود اختیارات فقهی حکومت اسلامی برای مجلس شورای اسلامی و نهادهای سیاستگذار ضرورتی انکارناپذیر دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای تدوین قوانین مؤثر در تأمین امنیت ملی، مدیریت ترانزیت دریایی، و مقابله با اقدامات خصمانه قرار گیرد.

ج. مراحل، فرایندها و یافته‌های کلیدی پژوهش

پژوهش در قالب جلسات تخصصی شورای عالی فقهی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس برگزار شده و با حضور اساتید صاحب‌نظر و با لحاظ دیدگاه‌های مختلف فقهی انجام گرفته است. فرایند کار شامل بررسی مبانی فقهی، نظریه‌های فقهی پیرامون حاکمیت بر آب‌های سرزمینی، و تحلیل شش سؤال فرعی فوق بوده است. **یافته کلیدی پژوهش اجماع اعضای شورا** بر این مطلب است که: «شرعاً مدیریت تنگه هرمز، اخذ عوارض از کشتی‌های عبوری، اعمال ولایت و مدیریت، و کنترل عبور و مرور برای حکومت جمهوری اسلامی ایران جایز بوده و منع شرعی برای قانون‌گذاری در این زمینه وجود ندارد.» همچنین امکان مصادره اموال معاندین و اتباع دولت‌های متجاوز با استناد به قاعده مقابله‌به‌مثل مورد تأیید قرار گرفته است.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود: مجلس شورای اسلامی با استناد به جواز شرعی حاصل‌شده، قوانین متناسب، از جمله طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و مدیریت پیشرفته پایدار تنگه هرمز و خلیج فارس (نسخه یازده‌بندی که در پیوست ارائه شده) را با قید فوریت بررسی و نهایی کند.

در ادامه خلاصه‌ای از دیدگاه اعضای جلسه شورای عالی فقهی مرکز ارائه شده و گزارش تفصیلی دیدگاه‌های اعضای شورای عالی فقهی به‌طور جداگانه برای بهره‌برداری منتشر خواهد شد.

دیدگاه اساتید محترم شورای عالی فقهی در باب شرعیت مدیریت ایران بر تنگه

هرمز

۱. اولین مبنای فقهی برای اثبات جواز اعمال نظارت (بلکه اعمال مدیریت) ایران بر تنگه هرمز این است که اصولاً دریاها براساس برخی از مبانی فقهی که در میان مراجع تقلید معاصر^۱ نیز طرفدارانی دارد، جزء انفال محسوب می‌شود^۲ و مطابق فقه شیعه، ولایت بر انفال در اختیار امام معصوم (ع) می‌باشد که در زمان غیبت به فقیه جامع‌الشرايط یعنی ولی امر مسلمین واگذار شده است.

ضابطه تصرف ولی امر در تمامی موارد انفال، تأمین مصالح کشور اسلامی است و چگونگی تأمین مصالح مزبور در هر زمانی از طریق مشورت و رایزنی با کارشناسان صلاحیت‌دار مشخص می‌گردد. بنابراین اگر پس از کارشناسی‌های مزبور، این نتیجه به دست آید که مثلاً ایران بر عبور و مرور بی‌خطر کشتی‌ها از تنگه هرمز نظارت کند و بابت هدایت و ارائه احتمالی برخی خدمات و همچنین تأمین امنیت کشتی‌ها از آنها عوارض دریافت کند، بی‌تردید از نظر فقهی چنین حقی دارد؛ زیرا مشمول عنوان اعمال ولایت بر قسمتی از انفال می‌باشد که جزء اختیارات ولی امر مسلمین است.

۱. برای مثال آیت‌الله مکارم (دام‌ظله) فرموده است: «از ظاهر روایات انفال، بلکه صریح بسیاری از آنها، شامل تمام منافع روی زمین است؛ ولی پرواضح است که حاکم اسلامی و ولی فقیه می‌تواند طبق مصالح مسلمین ضوابط جهانی را ملحوظ دارد.» استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. این نظریه میان فقها ریشه‌دار است؛ برای مثال مرحوم کلینی (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸) می‌نویسد: «الْأَنْفَالُ هُوَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ خَاصَّةً لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ الشُّرُكَةُ وَ إِنَّمَا يُجْعَلُ الشُّرُكَةُ فِي شَيْءٍ قَوْلًا عَلَيْهِ... وَ كَذَلِكَ الْأَجْمَاعُ وَ الْمَعَادُونَ وَ الْبِحَارُ وَ الْمَفَاوِزُ...» برخی از دیگر فقها نیز همین مطلب را برگزیده‌اند؛ برای مثال: مفید، المقنعه، ص ۲۷۸؛ علامه، المختلف، ج ۳، ص ۳۳۷.

تذکر این نکته لازم است که مطابق تصریح اصل چهل و پنجم قانون اساسی ایران، «دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی»، جزء انفال می‌باشد. بنابراین راهکار فقهی بالا، کاملاً با قانون اساسی ایران سازگار است.

۲. دومین مبنای فقهی بر این پایه استوار است که از دیدگاه اسلام، دولت اسلامی مکلف به اموری است که در وجوب آنها کمترین تردیدی وجود ندارد؛ مانند اعداد قوا در برابر دشمنان (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم، انفال آیه ۶۰)، حفظ دین اسلام، حفاظت از جان و مال و ناموس تمامی شهروندان کشور اسلامی اعم از مسلمان و غیرمسلمان و حفظ عزت و اقتدار و امنیت همه‌جانبه کشور اسلامی.

از سوی دیگر انجام هر کدام از این تکالیف، مقدماتی دارد که آنها نیز از باب وجوب مقدمه واجب، واجب خواهند بود.^۱ بنابراین اگر احراز شود که یکی از این مقدمات، نظارت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز می‌باشد، آنگاه قطعاً نظارت مزبور را باید واجب دانست و محدوده این نظارت نیز به اندازه‌ای است که تأمین‌کننده اهداف بالا باشد. در نتیجه نظام جمهوری اسلامی ایران مکلف خواهد بود که همه اقدامات لازم برای اعمال نظارت مطلوب را انجام دهد؛ مانند اخذ عوارض یا جلوگیری از ورود کشتی‌های متعلق به دول متخاصم و امثال آن.^۲

۱. شبیه به این استدلال را آیت‌الله مکارم (دام‌ظله) نیز بیان کرده است، ر.ک: مکارم، أنوار الفقاهة — کتاب البیع، ص ۴۹۵.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۴-۶۰۳.

أَبِي رَحِمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا يُعْطِي السَّيْفَ وَالْفَرَسَ فِي السَّبِيلِ فَأَتَاهُ فَأَخَذَهُمَا مِنْهُ ثُمَّ لَقِيَهُ

۳. طبق سومین مبنای فقهی، همه دریاها براساس یک عنوان مستقل (نه به عنوان انفال) به امام (ع) تعلق دارد (ر.ک: معتبره حفص بن البختری).^۱

ولایت بر دریاها در زمان غیبت، در اختیار ولی امر مسلمین که فقیه جامع الشرایط است می‌باشد. بنابراین معظم له می‌تواند به هر صورتی که مصالح کشور اسلامی اقتضا می‌کند، در مورد مدیریت دریاها و از جمله تنگه هرمز، اعمال مدیریت کند.

۴. مطابق دیدگاه بسیاری از فقها، دریاها جزء مباحات و یا مشترکات عامه می‌باشد. بنابراین همگان در استفاده از دریاها آزادند؛ ولی این آزادی تا جایی ادامه دارد که موجب به خطر افتادن سرزمین اسلامی و شهروندان کشور اسلامی نشود.

أَصْحَابُهُ فَأُخْبِرُوهُ أَنَّ السَّبِيلَ مَعَ هَؤُلَاءِ لَا يَجُوزُ وَ أَمْرُوهُ بَرْدَهُمَا قَالَ فَلْيُفْعَلْ قَالَ قَدْ طَلَبَ الرَّجُلُ فَلَمْ يَجِدْهُ وَ قِيلَ لَهُ قَدْ شَخَّصَ الرَّجُلُ قَالَ فَلْيُرَابِطْ وَ لَا يُقَاتِلْ قَالَ لَهُ فَيَقِي قُرُوبِينَ وَ الدَّبْلَمَ وَ عَسْقَلَانَ وَ مَا أَشْبَهَ هَذِهِ التُّغُورَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ يُجَاهِدُ فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى ذَرَارِيِّ الْمُسْلِمِينَ أَوْ رَأَيْتَكَ لَوْ أَنَّ الرُّومَ دَخَلُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَنْتَبِعْ لَهُمْ أَنْ يَتَّبِعُوهُمْ قَالَ قَالَ يُرَابِطُ وَ لَا يُقَاتِلْ فَإِنْ خَافَ عَلَى بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ قَاتَلَ فَيَكُونُ قِتَالَهُ لِنَفْسِهِ لَيْسَ لِلسُّلْطَانِ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ كَيْفَ يَضُنُّ قَالَ يُقَاتِلُ عَنْ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ لَا عَنْ هَؤُلَاءِ لِأَنَّ فِي انْدِرَاسِ الْإِسْلَامِ انْدِرَاسَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ سَادَانَ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَى بِرَجْلِهِ خَمْسَةَ أَنْهَارٍ - وَ لِسَانُ الْمَاءِ يَتَّبِعُهُ - الْفُرَاتَ، وَ دِجْلَةَ، وَ نِيْلَ، وَ مِهْرَانَ، وَ نَهْرَ بَلْخَ، فَمَا سَقَتْ أَوْ شَقِي مِنْهَا فَلِلْإِمَامِ، وَ الْبَحْرُ الْمُطِيفُ بِالْأَنْدَلُسِ» الكافي (ط) - دارالحدیث (ج ۲، ص ۳۵۴).

نیز معلی بن خنيس از نقل کرده: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا لَكُمْ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ جَبْرَيْلَ ع وَ أَمَرَهُ أَنْ يَحْرِقَ بِإِبْهَامِهِ ثَمَانِيَةَ أَنْهَارٍ فِي الْأَرْضِ مِنْهَا سِيحَانُ وَ جَبْحَانُ وَ هُوَ نَهْرُ بَلْخَ وَ الْحَشُوعُ وَ هُوَ نَهْرُ الشَّاشِ وَ مِهْرَانُ وَ هُوَ نَهْرُ الْهِنْدِ وَ نِيْلَ وَ مِصْرَ وَ دِجْلَةَ وَ الْفُرَاتَ فَمَا سَقَتْ أَوْ اشْتَقَّتْ فَهُوَ لَنَا وَ مَا كَانَ لَنَا فَهُوَ لِلسَّيِّئِينَ وَ لَيْسَ لِعَدُوِّنَا مِنْهُ شَيْءٌ». همان، ج ۱، ص ۴۰۹.

در نتیجه هرگاه چنین خطری وجود داشته باشد، دولت اسلامی با رهبری ولی امر مسلمین، مکلف است اقدامات لازم را برای برطرف کردن خطر مزبور انجام دهد. این اقدام می‌تواند شامل امور مختلفی از جمله نظارت بر تردد کشتی‌ها و اخذ عوارض از آنها باشد.

۵. اموال آحاد مسلمین از نظر اسلام دارای احترام است.^۱ به طریق اولی اموال جمیع مسلمین محترم است، از این رو تصرف در آب‌های مسلمین نیز دارای احترام بوده و تصرف در آنها براساس فقه اسلامی تحت عنوان صلح قرار می‌گیرد. از این رو گرفتن عوارض نه تنها مانعی ندارد، بلکه اصل بر این است که ستانده شود، مگر اینکه حاکم مسلمین بنا بر مصالحی آن را ببخشد.

۶. براساس معارف اهل بیت (ع) تمامی آنچه که در زمین است، از آن نبی خدا و اهل بیت (ع) است.^۲ نظر به اینکه این مالکیت مربوط به مقام امامت بوده و ولی فقیه دارای همان جایگاه می‌باشد، ایشان حق دارند بابت تصرف در اموال تحت اختیار و ملیکت خودشان وضع عوارض نمایند و مدیریت سایر آبراه‌ها را به عهده بگیرند.

۱. چنان‌که نبی گرامی اسلام فرمودند (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۰): «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ ذِمَّتِهِ».

۲. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده (همان، ج ۱، ص ۴۰۷) که فرمود: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا...»
نیز ابی بصیر نقل می‌کند (همان، ص ۴۰۸-۴۰۹): «قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَمَا عَلَى الْإِمَامِ زَكَاةٌ فَقَالَ أَحَلَّتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ لِلْإِمَامِ يَضَعُهَا حَيْثُ يَشَاءُ وَ يَدْفَعُهَا إِلَى مَنْ يَشَاءُ».

از این روایات استفاده می‌شود که این مالکیت صرفاً یک مالکیت معنوی و حقیقی نیست، بلکه از نظر اعتباری هم منشأ اثر است، برخلاف نظر برخی از فقها نظیر صاحب جواهر (ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۳۱).

۷. اگر فرض کنیم که هیچ کدام از مبانی فقهی بالا پذیرفته نشود، آنگاه می توان گفت که براساس ارتکاز و سیره عقلا که مورد تأیید شرع نیز قرار گرفته است، کشور ساحلی به منظور تأمین امنیت همه جانبه خود می تواند بر دریاها و آبراه های مجاور سرزمین خویش اعمال نظارت کند. محدوده این نظارت را مصالح عمومی و معقول کشور ساحلی تعیین می کند؛ مانند جلوگیری از تردد کشتی های متعلق به دول متخاصم، هدایت دیگر کشتی ها در مسیر پیش بینی شده و تأمین امنیت آنها و همچنین اخذ عوارض در برابر خدماتی که به آنها ارائه می شود.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی فقهی متعدد نشان می‌دهد اعمال نظارت و ولایت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرگز قابل تبیین است. در این میان، مبنای نخست با نص صریح اصل چهل و پنجم قانون اساسی ایران کاملاً هماهنگ است. سایر مبانی نیز با اصول قانون اساسی ایران قابل جمع‌بندی و سازگار می‌باشند. بنابراین از منظر فقهی هیچ‌گونه محذوری برای اعمال ولایت و نظارت ایران بر تنگه هرگز وجود ندارد.

توصیه تقنینی

گفتنی است که اتخاذ تصمیم نهایی در این خصوص، موقوف به لحاظ کردن عواملی همچون قواعد حقوق بین‌الملل است.

پیوست

طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز و خلیج فارس

مقدمه

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس و تنگه هرمز و جزایر ایرانی به عنوان شریان حیاتی انرژی جهان، تجارت، اقتصاد به‌ویژه اقتصاد دریامحور، و لزوم اعمال حقوق حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولت ساحلی بر این آبراه، ضرورت دارد نظامی هوشمند و پایدار در راستای مدیریت عبور ایجاد شود. این نظام بر پایه حفظ استقلال و دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی، تأمین امنیت، مقابله با تهدیدات امنیتی و جرایم فراملی و تأمین منافع اقتصادی و زیست محیطی کشور تدوین شده است.

ماده ۱. با عنایت به عدم پیوستن ایران به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها و اعتراض مستمر به برخی مقررات مربوطه آنها و با توجه به تجاوز نظامی دولت تروویست ایالات متحده آمریکا به عنوان یک کشور خارج از منطقه غرب آسیا علیه حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و به خطر انداختن امنیت در خلیج فارس و همکاری برخی دولت‌های منطقه و در اختیار قرار دادن قلمرو خود به کشور متجاوز برای استفاده در تجاوز نظامی علیه کشور همسایه و همچنین آلودگی محیط زیستی ناشی از فعالیت در تنگه هرمز توسط کشورهای خارج از منطقه، از زمان تصویب این قانون، با هدف حفظ امنیت دریانوردی، خدمات جامع دریانوردی و حفاظت زیست محیطی خلیج فارس، دولت با همکاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، خدماتی از قبیل راهنمای ناوبری، خدمات مورد نیاز شناورها، بازرسی گذرگاه‌ها و شناورها، استاندارد زیست محیطی و ارزیابی رعایت آن، منع عبور یا توقیف شناورهای متخلف و مجوز عبور از تنگه هرمز را ارائه خواهد کرد.

ماده ۲. عبور شناورها و غوطه‌ورها که مالکیت یا پرچم یا محموله آن با کشورهای متخاصم بوده و یا مرتبط با آنها باشد، و نیز عبور شناورهای نظامی و جنگی یا شناورهایی که به منظور جاسوسی یا فعالیت اطلاعاتی یا امور مضر یا مخل امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و یا خلیج فارس یا امور غیرمتعارف، به هردلیل از جمله مانور

نظامی (با استفاده از شناورهای سطحی، زیر سطحی و بر فراز سطح) ممنوع است. تشخیص کلیه موارد مذکور به عهده ستاد کل نیروهای مسلح می‌باشد.

تبصره ۱: تردد شناور و محموله‌های مربوط به رژیم صهیونیستی اعم از نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز به‌طور مطلق ممنوع است. همچنین تردد کلیه شناورهایی که مبدأ یا مقصد آن به رژیم صهیونیستی است، به‌طور کلی ممنوع می‌باشد. تبصره ۲: تردد شناورها و محموله‌های کشورهای و سازمان‌ها و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی که اقدامات خصمانه نسبت به جبهه مقاومت دارند، ممنوع است.

ماده ۳: شناورهای غیر موضوع ماده (۲) و تبصره آن که مطابق ضوابط مقرر در این قانون و سایر مقررات و ضوابط جمهوری اسلامی ایران ممنوع از تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز نیستند، موظف به دریافت مجوز از دولت جمهوری اسلامی ایران و پرداخت تعرفه از جمله هزینه هدایت، نظارت، راهبری و تأمین امنیت با واحد پول ملی (ریال) می‌باشند.

تبصره ۱: ستاد کل نیروهای مسلح به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران مسئول صدور مجوز موضوع این ماده خواهد بود. کلیه دستگاه‌های اجرایی ذیربط مکلفند براساس تقسیم کاری که به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد، همکاری لازم را با ستاد کل نیروهای مسلح درخصوص حکم این ماده به عمل آورند.

تبصره ۲: ستاد کل نیروهای مسلح موظف است صدور مجوز عبور از تنگه هرمز را علاوه بر شرایط مندرج در این قانون و سایر قوانین و مقررات، منوط به اخذ ضمانت‌نامه بانکی از بانک‌های ایرانی برای پرداخت خسارت و جرایم موضوع این قانون نماید. اخذ ضمانت‌نامه منوط به ارائه اطلاعات لازم راجع به بار شناور و طرفین معامله و ارائه گواهی تمکن مالی بانکی ریالی توسط مالک شناور یا شرکت بیمه‌گر یا شرکت‌های دیگر با معرفی ستاد کل می‌باشد.

ماده ۴: آیین‌نامه تعیین تعرفه موضوع ماده ۳ براساس نوع کاربری شناور و نوع محموله و حجم و وزن و ارزش آن و مواردی از این قبیل بوده و توسط هیئت وزیران حداکثر ظرف یک‌ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه خواهد شد.

ماده ۵: هرگونه خسارت به جمهوری اسلامی ایران توسط دولت‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی در دفاع مقدس به‌ویژه جنگ رمضان، از

طریق پرداخت یا توافق با دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به نحوه پرداخت، جبران خواهد شد. در غیر این صورت مجوز عبور از تنگه هرمز و خلیج فارس برای شناورهای مربوط به آنها صادر نخواهد شد.

مرجع تشخیص مبدأ و واردکننده خسارت، ستاد کل نیروهای مسلح می‌باشد. ماده ۶. دولت موظف است با همکاری یا از طریق بخش غیردولتی نسبت به توسعه زیرساخت‌های حوزه خلیج فارس در بنادر و جزایر به منظور ارائه خدمات به شناورهای عبوری اعم از سوخت‌رسانی و خدمات جامع دریانوردی اقدام نماید. ماده ۷. هرکشور یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های یک‌جانبه اعمال کند، یا دارایی‌های ایران را مسدود کرده باشد، و یا اقدامات خصمانه انجام دهد، مشمول ممنوعیت عبور از تنگه هرمز خواهد بود. تبصره: تشخیص اقدامات خصمانه در این قانون به عهده شورای عالی امنیت ملی ایران می‌باشد.

ماده ۸. دولت موظف است سی درصد (۳۰٪) منابع حاصل از این قانون را (علاوه بر بودجه مصوب سالانه) به صورت صددرصد تخصیص یافته جهت تقویت بنیه دفاعی و تأمین معیشت نیروهای مسلح در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح قرار دهد. هفتاد درصد (۷۰٪) باقی‌مانده نیز به صورت صددرصد تخصیص یافته برای پیشرفت زیرساخت‌های کشور و معیشت مردم اختصاص می‌یابد.

ماده ۹. در تمامی مذاکرات، معاهدات، توافقات یا اسناد رسمی مربوطه از جمله بیمه، و هرگونه عبور ناوگان دارای اسناد تجاری، صرفاً باید از نام خلیج فارس استفاده گردد. ماده ۱۰. عدم رعایت مقررات مربوط به عبور شناورها از تنگه هرمز خارج از ضوابط این قانون، مشمول ماده ۵ قانون مجازات اسلامی و بیست (۲۰) درصد میزان ارزش محموله و توقیف موقت شناور خواهد بود.

ماده ۱۱. هر شخص حقیقی یا حقوقی که از طریق فعل یا ترک فعل، سبب عدم اجرای صحیح، کامل یا به موقع این قانون شود، در صورتی که مجازات بیشتری نداشته باشد، به مجازات درجه پنج قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی محکوم می‌شود.

منابع

۱. استفتاءات جدید (مکارم شیرازی)، ج ۱.
۲. مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة - كتاب البيع.
۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱ و ج ۲.
۴. شیخ مفید، المقنعه.
۵. علامه حلی، المختلف، ج ۳.
۶. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲.
۷. محمد حسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶.

گزارش راهبردی

